

MARVEL

025

PARENTAL
ADVISORY

DUGGAN • KOBLISH • FILARDI

COMIC CITY

DEADPOOL



احتمالا ماهرترین و قطعا خطرناکترین مزدور قرن، واردا ویلسون در سراسر دنیای ۲۰۹۹ دنبال خرابکاری و آشوب میگرده. بر علیه جامعه شورش میکنه و کارها رو به روش خودش انجام میده. به عنوان دختریه مزدور تند-حرف که قابلیت خود درمانی داره، و یک ملکه ی جن شیطانی، واردا هیچ جایی که مناسبش باشه نداشت ... برای همین هم بیرون از هر جایی خونه ی خودش رو ساخت و با قوانین خودش زندگی میکنه. صداش کنین مزدور وراج ... صداش کنین احمق نمردنی ... صداش کنین ...

ددپول



L'L DEADPOOL ART BY
IRENE Y. LEE

خیلی خب! بریم که
این داستان شوکه کننده رو
شروع کنیم!

همتون منو میشناسین ...
واردا ویلسون، ددپول سال
۲۰۹۹! دختر ددپول اصلی و زن شیطانش،
شیکلاه!

من از دست بابام
شاکیم چونکه پیرمرد خرفت مردنی
بهم نمیکه که چه بلایی سر
مامانم اومده!

دیگه باهاش اتمام
حجت کردم ... یا شیکلاه
رو برام میاره، یا یکی از خفتترین
هیولاشو تو باغ ستاره ی
مدیسون آزاد میکنم!

در همین حین، پدر
عزیزترینم هم با رفیق دیجیتالی
خودش یعنی امیلی پرستون و خواهر
ناتنی تازه پیدا شده ی من یعنی الی که میخواه
نام ددپول رو واسه خودش بگیره، متحد
شده. البته فکر کن که بتونه
بگیره.

ولی حتی سه تاشون
روی هم هم واسه من عددی
نیستن، واسه همینکه که رفتن با یه فسیل
دیگه هم حرف بزنین ... یارو هم اسمش
دَنیل رَنده، که خودش رو "آیرون فیست"
ابدی" صدا میکنه.

آماده این که
بینین من چطوری فک
همشون و میارم پایین؟

مترجم و ویراستار: احمد کلاتیانی

GERRY DUGGAN 2099
WRITER

SCOTT KOBLISH 2099
ARTIST

NICK FILARDI 2099
COLORIST

VC'S JOE SABINO 2099
LETTERER

SCOTT KOBLISH 2099 & NICK FILARDI 2099
COVER

GERRY DUGGAN 2099, SCOTT KOBLISH 2099, GURU-eFX 2099 & VC'S JOE SABINO 2099
#SECRETCOMIC VARIANT

HEATHER ANTOS 2099
ASSISTANT EDITOR

JORDAN D. WHITE 2099
EDITOR

AXEL ALONSO 2099
EDITOR IN CHIEF

JOE QUESADA 2099
CHIEF CREATIVE OFFICER

DAN BUCKLEY 2099
PUBLISHER

ALAN FINE 2099
EXECUTIVE PRODUCER

COMIC CITY

کمیک سیتی با افتخار تقدیم میکند

باغ ستاره ی مدیسون

وقت داره تموم میشه.

اگه الی و وید با مامانم تا پایان وقت اینجا نباشن ... از اینجا به حموم خون راه میندازم.

ام، رئیس. یه سری از بچه ها یه کم سر باز کردن این تابوت مضطربن... مطمئنی که ...

اگه مجبورم کنن ... آره!

به نظرت دختری سر تهدیدش به ریختن خون بیگناه وایمیسته؟

میخوام که بهش باور داشته باشم ... نمیدونم. بهتره امیدوار باشیم که هیچوقت جوابشو نفهمیم.

تا الان الی باید تابوت شیکلاه رو پیدا کرده باشه.

بستگی داره چقدر از شیکلاه تو وجودش باشه.

از الی به وید. همونطور که گفتم. قبر رو کندم.

نمیدونم "دکتر سمسون" کیه، ولی اینطور که معلومه یه پدبخت مرده ی واقعیه که توی قبره.

شیکلاه اینجا نیست. نظر دیگه ای نداری که چه بلایی ممکنه سر تابوت زن سابق آورده باشی؟



همم، جنازه های زیادی رو تو طول زمان قایم کردم. همشون با هم قاطی شده.

دور و بر تو برگرد. مطمئنی جنازه دیگه ای تو اون قبر نیست؟



نه ویدا!

دارم برمیگردم پشت.

جنازه ی دیگه ای نیست!

بچه های لمنتی!



همینو کم داشتیم. حالا باید پسر خوشتیپ و اینجا خای کنم.

تو باغ ستاره ی مدیسون میبینم همو الی.





حالا که برگشتی
باید اون یکی مساله ی
نیمه کاره هم تموم
کنیم.

کارای نیمه گاه ای
مثل کارای ما نباید به نسل
بعدی راه پیدا کنن.



نمیدونم داری
راجع به چی حرف
میزنی.
خیلی حال و
اوضاعم خوب نیست
دنی...
...



... هیچوقت من حافظه
قوی ای نداشتم.



شاید ...



... این ...



... به چیزایی
یادت بیاره.



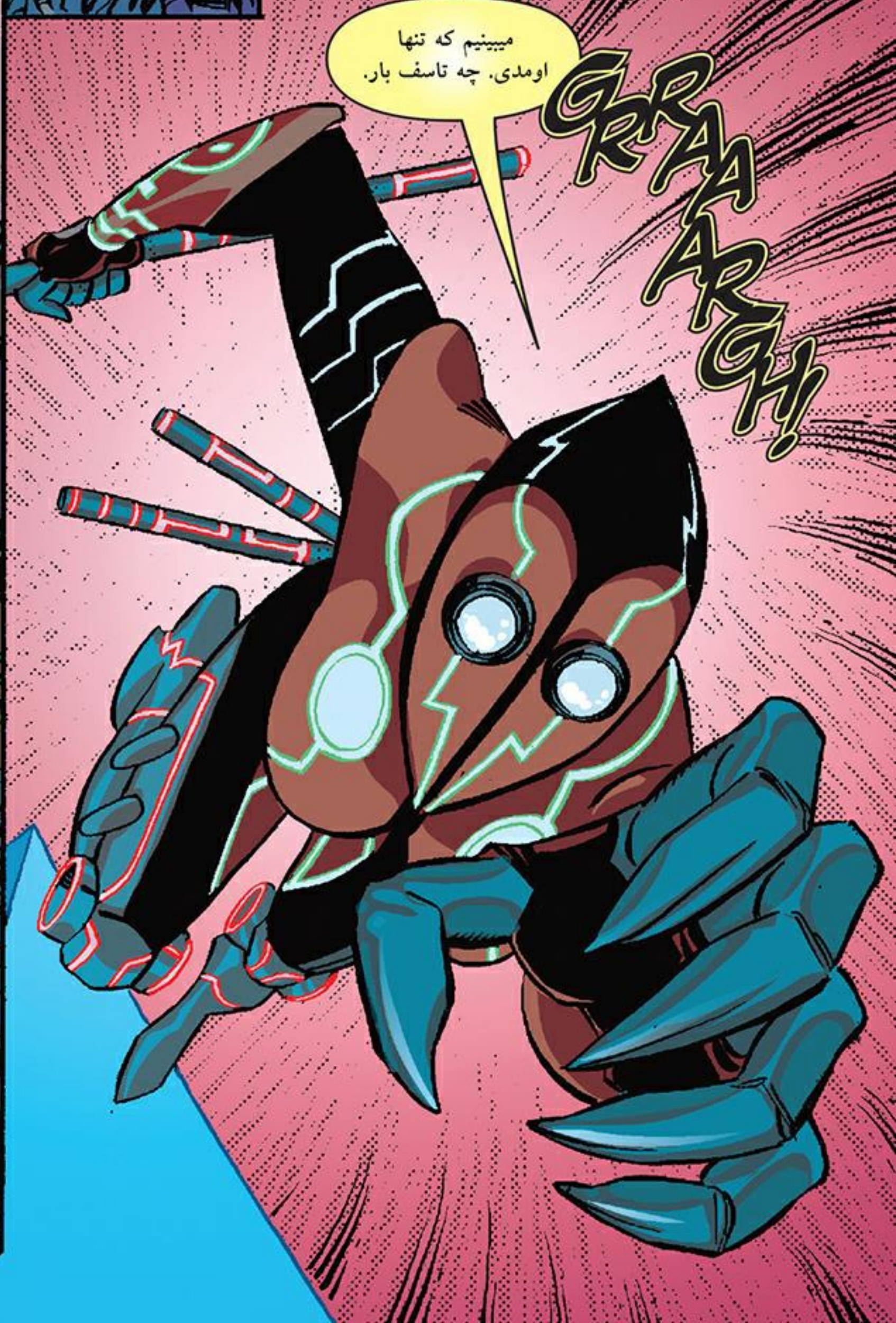
کارم با دخترا رو تموم
میکنم برمیگردم.



و منم
منتظرت میمونم.



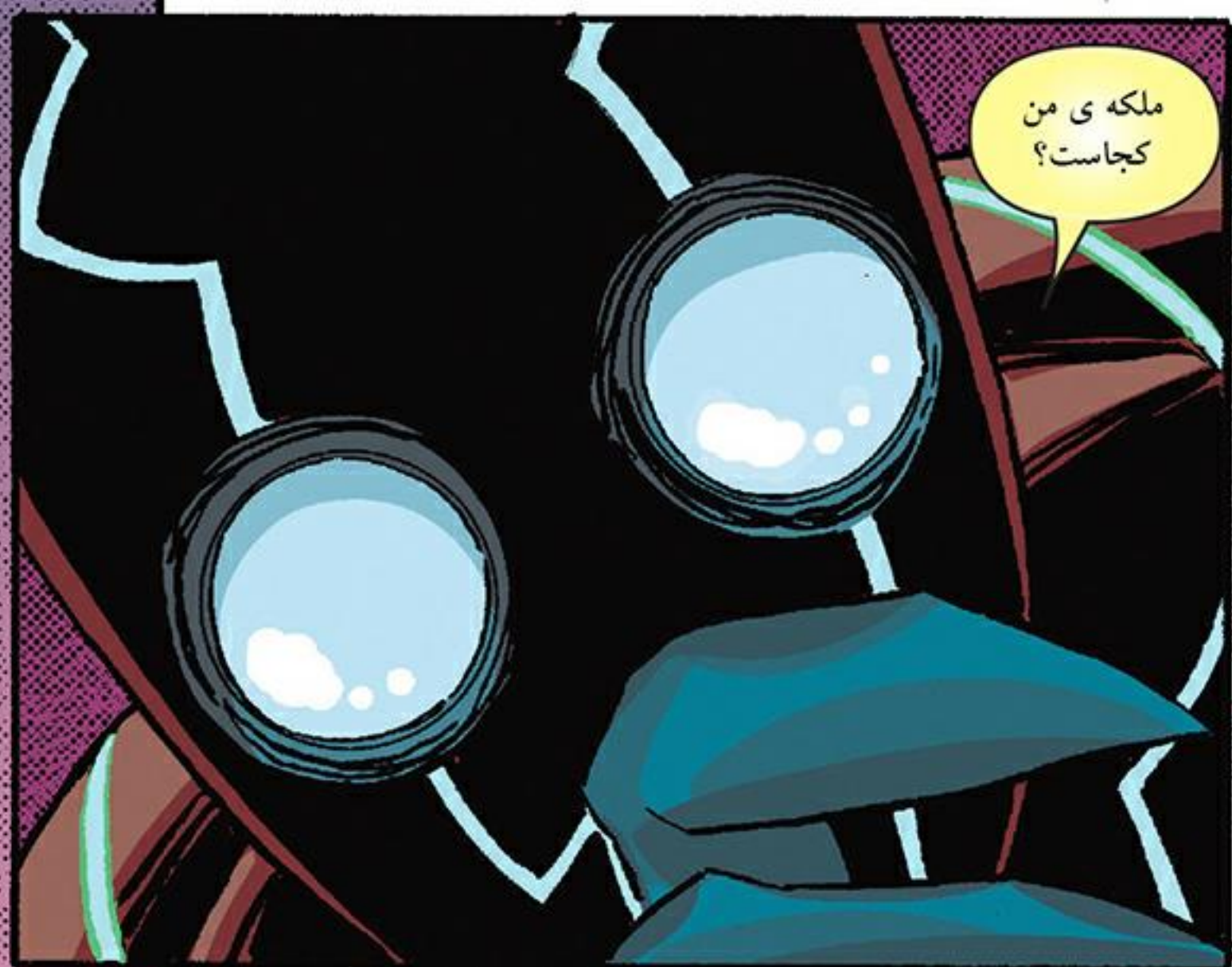
بریم که امشب
تمومش کنیم.





کجاست؟؟

آروم باش
وارد!



ملکه ی من
کجاست؟

اوووووف!



متأسفانه باید کمی
دقیقتر باشی ... من تو دوران
خودم با ملکه های زیادی
پریدم.



شکی داری که من
سر این مساله میکشمت؟؟

میدونم که میکشی،
ولی باور کن این بارو
روی شونه هات
نمیخواهی.

اون زن متعلق
به گذشته بود ... حتی
وقتی که من دیدمش
هم ...



جوابت اشتباه بود.



شیکلاه کجاست؟؟

هوووووف!



شیکلاه ...



... تو طرف اشتباهی از تاریخ بود.

قول داده بودم که اگه نتونم آزادش کنم، عواقبی خواهد داشت.



فکر میکنی جلو چندتا دیگه از این لگدا دووم میاری؟



بچه جون ...



... «تف» ...



... قبل اینکه چیزی که از من میخوای و بگیری پات از جاش دراومده!



پس پاشو و
جنگ!

به اندازه کافی تو
زندگیم پشیمونی دارم.



چپ و راست کردن بچه ی
خودمو به لیست اضافه
نمیکنم!



هی!!

پس این آدمایی که
انقدر بهشون اهمیت میدی
تقاص گناهای تورو
میدن!



دیگه به تو کاری
ندارم. خدمت اینا میرسم
تا موقعی که چیزی که میخوام
و بگیرم!

مثل خیلی از اون
عوضی هایی میمونی
که زندگیمو صرف جنگیدن
باهاشون کردم.



آآآآآ

من دعوایای
خانوادگی ویلسون ها
رو امروز تموم
میکنم!



تو و
کدوم ارتش
اونوقت؟



اونی که تو سایه ها
قایم شده و امیدوار بود
که بتونم با حرف سر عقل
بیارمت.

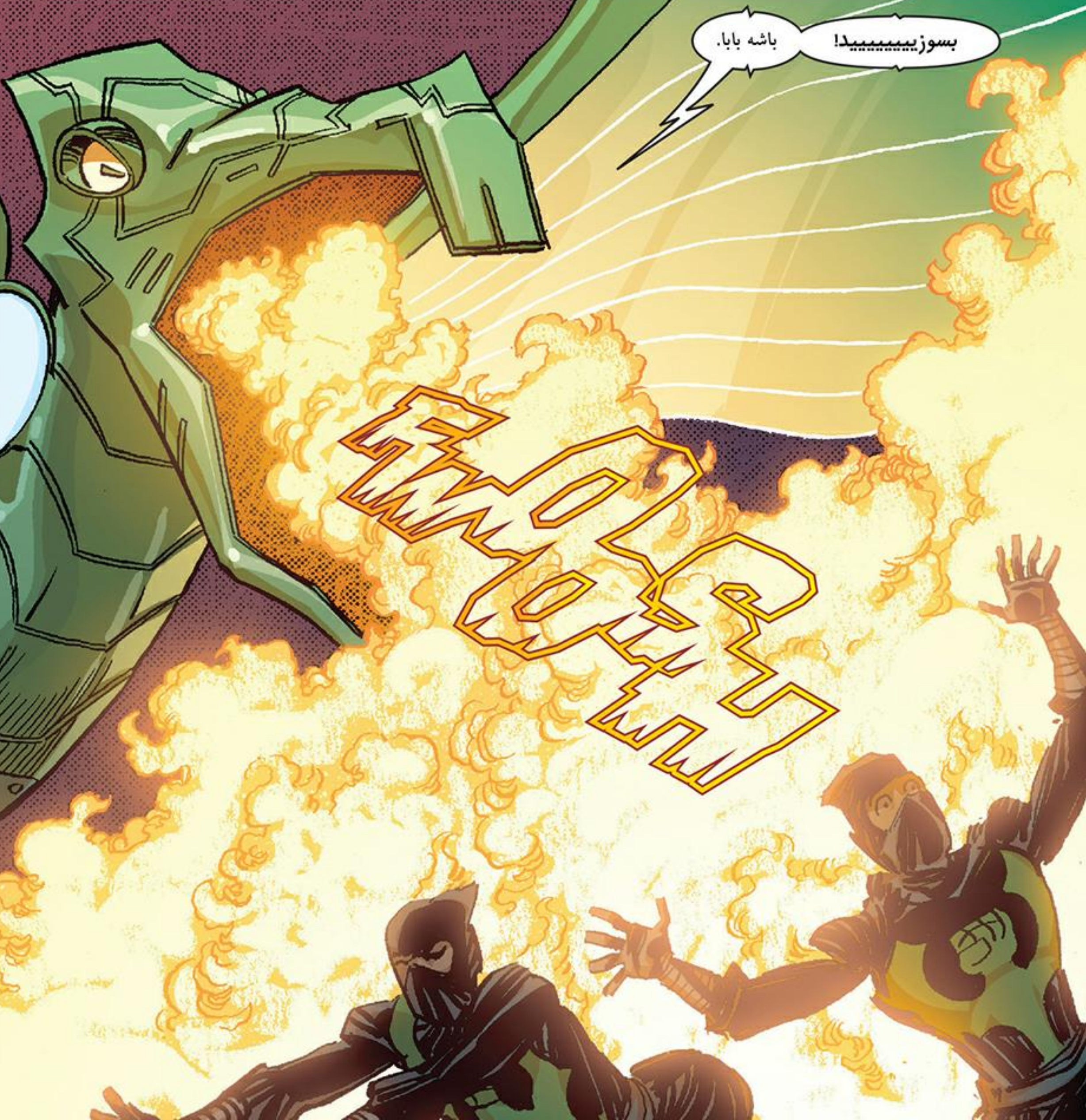


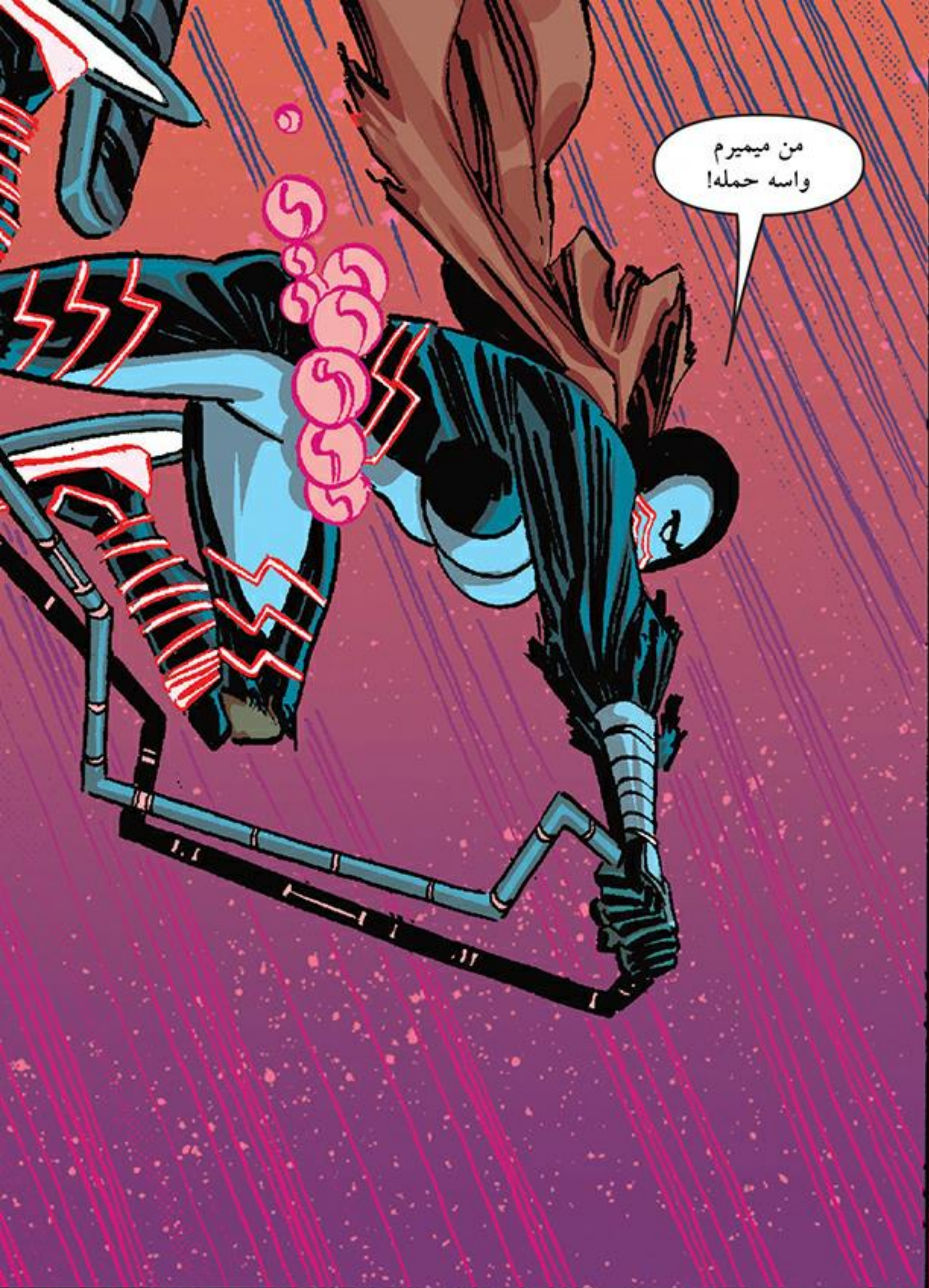
منتظر چی
بودین پس تا
الان؟؟

میخواستیم یه
کم وقت بدیم تا
مذاکره کنی. بعد وقتی اونو
گند زدی توش، میخواستیم
یه کم کتک خوردنتو
ببینیم.
همیشه دیدنش
حال میده.

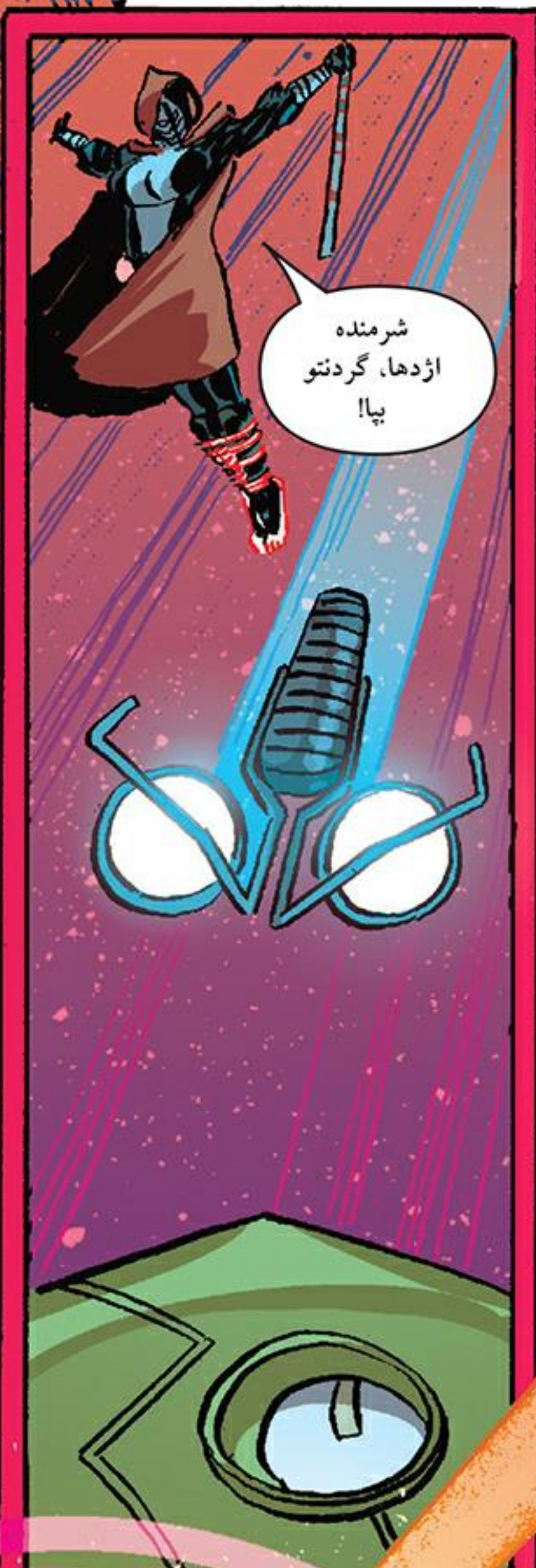
پیری زیادی دل
نازکت کرده وید. بعد اینکه
کارمون با دعوای خانوادگی تو
تموم شد، یه سری بیزینس واقعی داریم
که باید رسیدگی کنیم. باید خودتو
جمع و جور کنی دوست من!

همه آیرون فیستا ...
حمله کنین!!





من میمیرم
واسه حمله!



شرمنده
ازدها، گردنتو
بپا!



اوه! سازدنه
قربون دستت!



اگه منو
دوست داری، دوباره
نسازتم ...



وارد!!
این کارو نکن!



وید شیکلاه
رو گروگان گرفت.
این تاوان کارشه.



خرس گنده شدی،
اونوقت هنوز هم
مثل بچه ها حرف
میزنی.

اووخ!



واسه من سخنرانی
نکن بابا! تو توی
زندگی همه چی داشتی!

آآآ!



ما اصلا تا
موقعی که تو بیای
دنیاال انتقام نمیدونستیم
وجود داری.

این تقصیره
کیه؟!؟



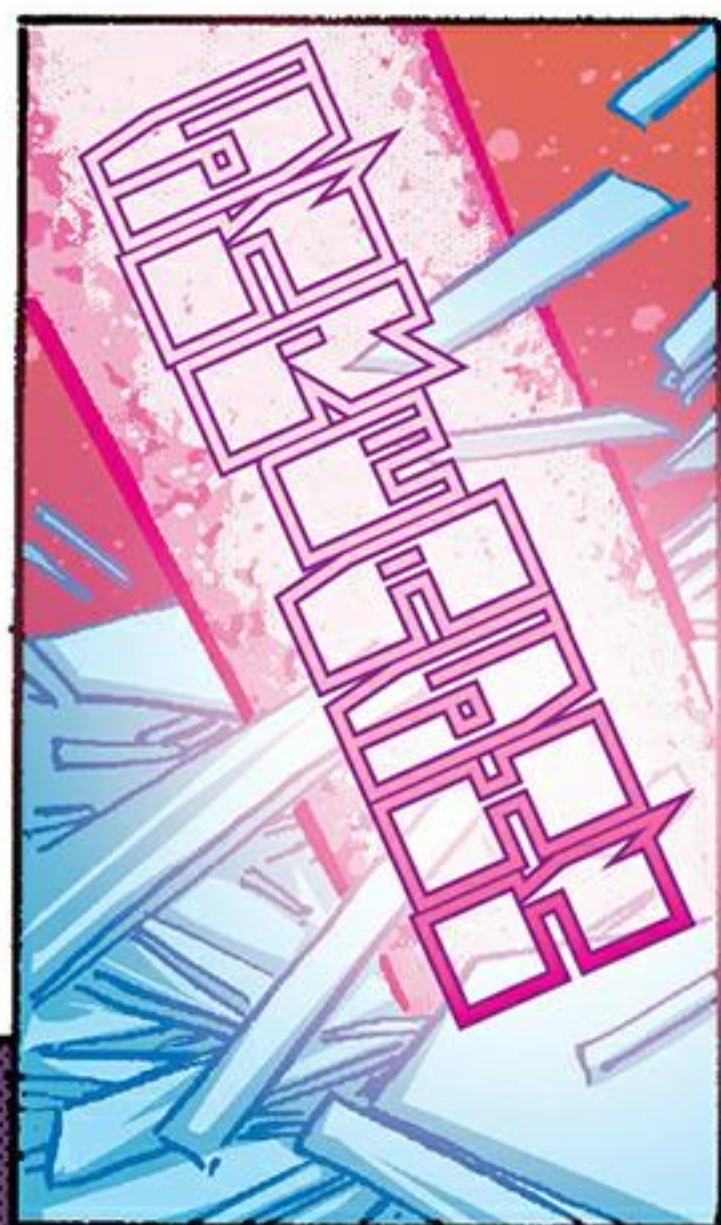
تقصیره ویده!



تقصیره شیکلاهه!



دعواهای کهنه
خسته کننده ان.





هه! MY NAME IS
KACHHI

آه، آرہا لنگ
بود، ولی پا ذرات پیم
زدیمش!



حتما ديگه تا الان
باید يدونه از اونا هم داشته
باشيم، نداريم؟
مرد مورچه ای ۲۰۹۹
نداريم؟ مرد خاله ای هم
داشته باشيم قبوله ها!

برو کنار!



مامان، ويد و
از سر راه بير کنار!

هه! خودم بلدم
از پس خودم بريام!



مطمئنني با اين
نقشه ای که واسه واردا
کشيديم مشکلي نداري؟

کار ديگه ای
هم واسه انجام دادن
ندارم.



مرسي
پرستون.

فيلم كل كنسرتاي
ابا رو دارم ميريزم
تو مغزت.

به علاوه ي آتا فصل و
به فيلم سينمايي از
د ويو.

نه ... خواهش
ميکنم! فقط منو
بکش!



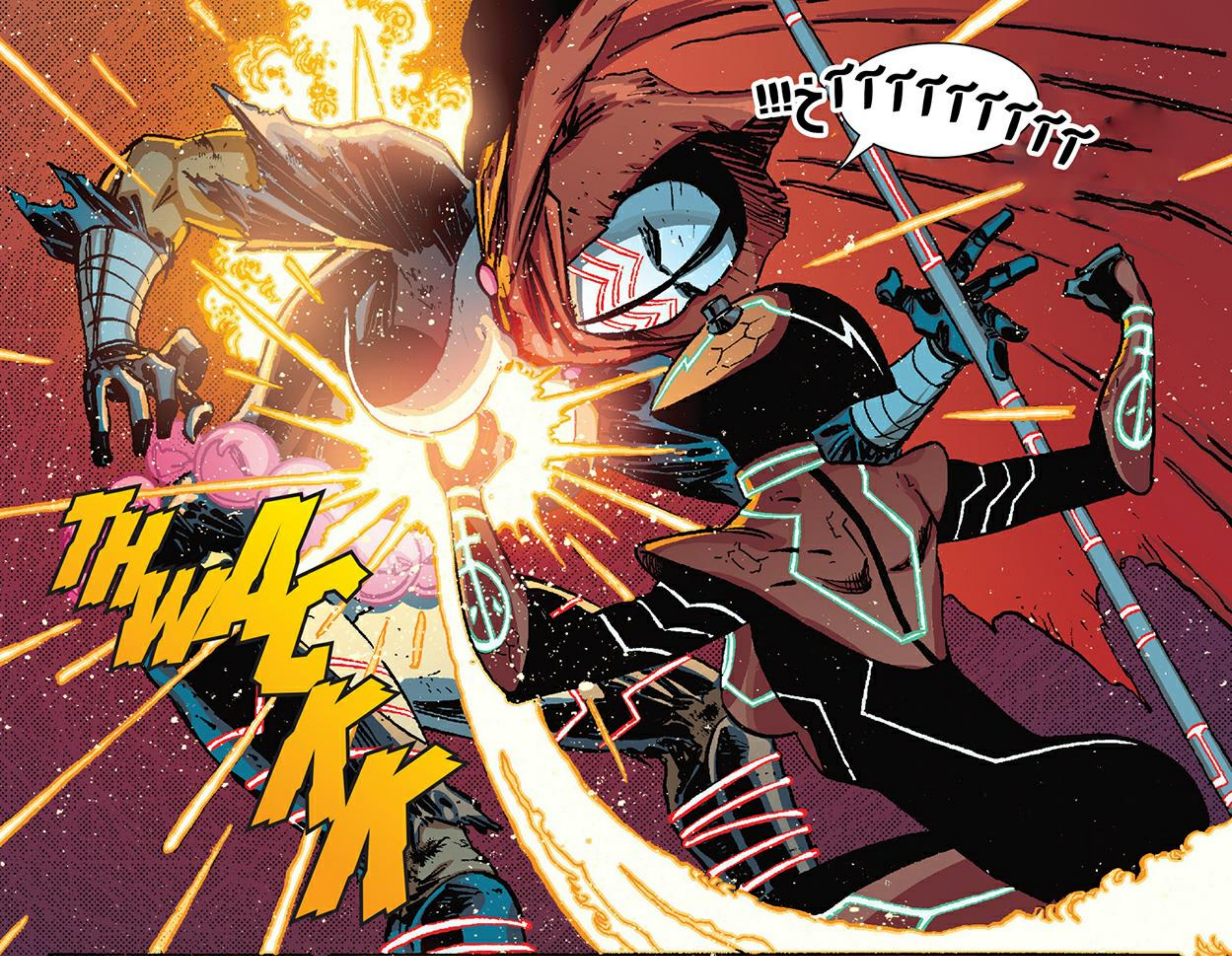
من ميدونم
باید چيکار کنم.

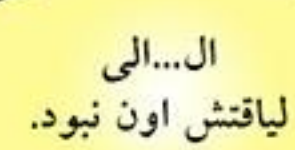


خودتو جمع
و جور کن.

وید، دوست
من.







اوووف!

به شهر
هیولاها خوش
اومدی.

اگه الی
منو کشته بود
هم همینطوری برای
من اشک میریختی؟

خیلی برای این
مورد خوب پایه گذاری
نکردی.

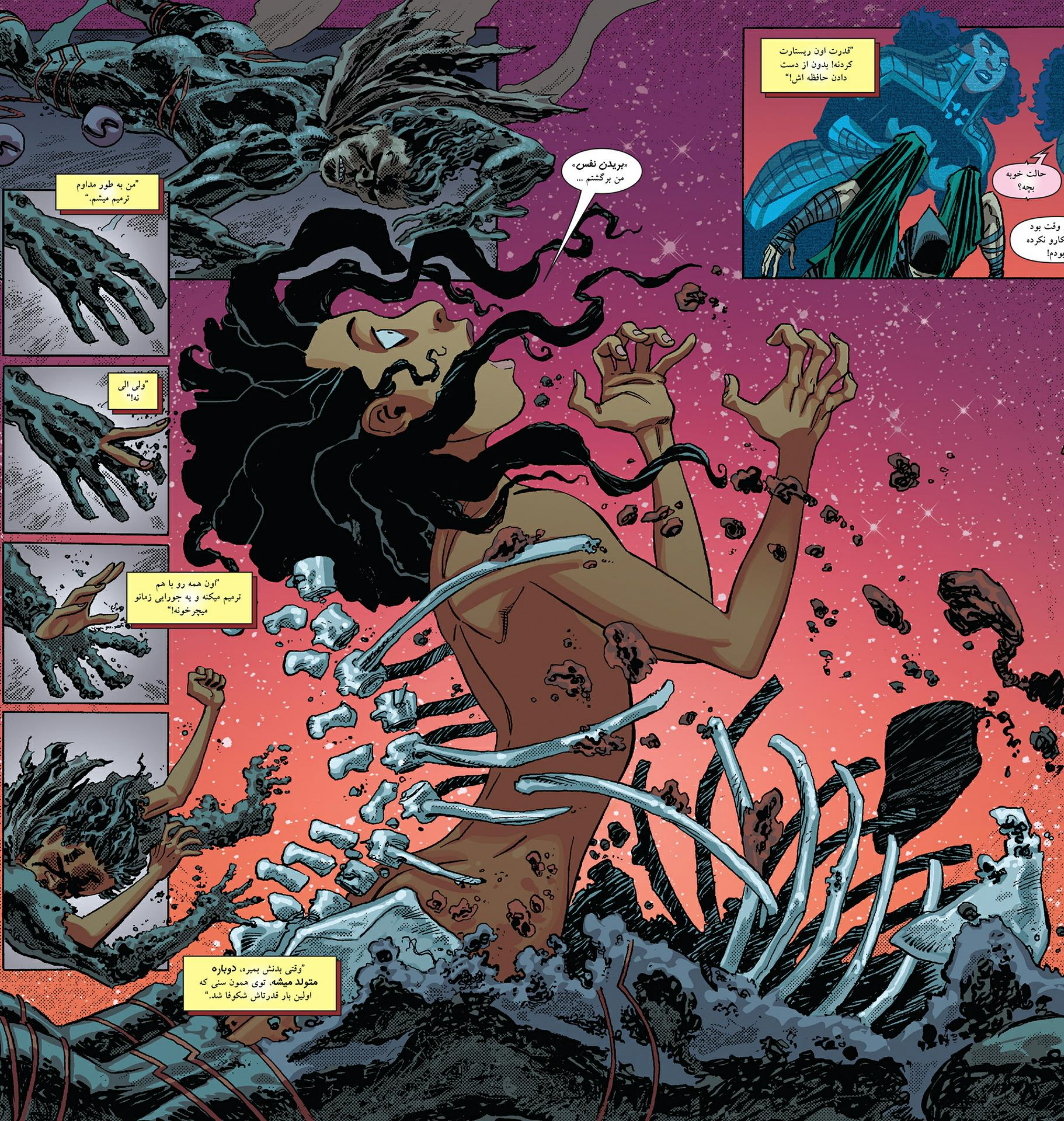
همین الان دختر تو
کشتم ... انتظار داشتم
عصبانی باشی.

آره، باید
میوادم.

ولی الان
یادم اومد.

چی یادت
اومد؟

یادم اومد که
الی به
جهش یافته است!



"من به طور مداوم
ترمیم میشم."

"ولی ای
نه!"

"اون همه رو با هم
ترمیم میکنه و به جورایی زمانو
میچرخونه!"

"وقتی بدنش بمیره، دوباره
متولد میشه، توی همون سنی که
اولین بار قدرتش شکوفا شد."

"هریدن نفس"
من برگشتم ...

"قدرت اون رستارت
کرده! بدون از دست
دادن حافظه اش!"

حالت خوبه
بچه؟

خیلی وقت بود
که اینکارو نکرده
بودم!

بزن بریم بابانو
از وسط آتش بکشیم
بیرون.





بزرگا همه
مردن.

با خاک
یکسان شدن.

چی گیر من
اومده؟؟



همش به
فکر اینی که چی
گیر تو میاد.



بیشترین کلماتی
که ازت شنیدم
"من میخوام، من
میخوام"ه.

ولی خب
یه سوال پرسیدی،
منم جوابتو
میدم.



تو خشم و عصبانیت
گیرت اومده.



همه اون
چیزایی که استیو
و بقیه ازش سوء استفاده
میکردن.



واسه همینه
که میدونم حتی با همه
کارای افتضاحی که کردی ... بازم
میشه نجات داد.



بزار ببینیم اگه بتونی
از مایع آتشنا هم خودتو
ترمیم کنی هم باز همینطوری
فکر میکنی یا نه.



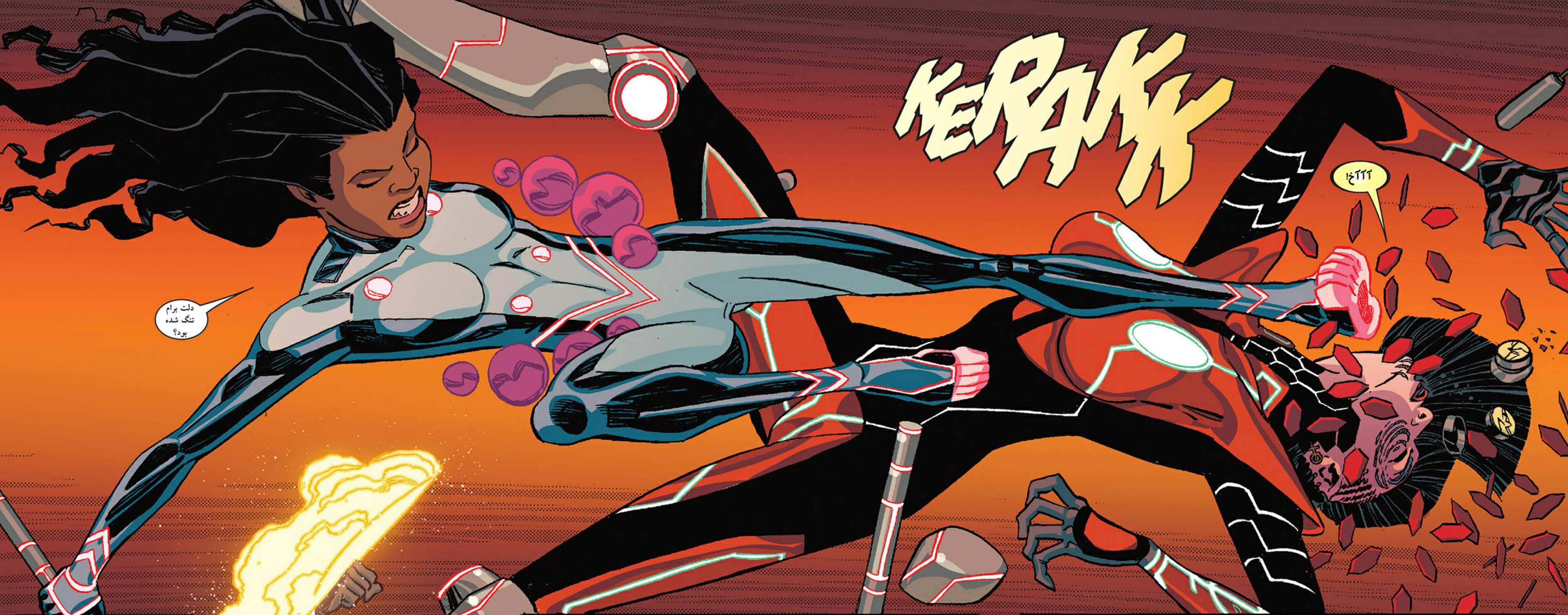
من هیچوقت از
مردن نترسیدم بچه جون.
ولی از نامیرا بودن
چرا.

ولی مثل اینکه
بازم قراره نا امیدت کنم.
امروز قرار نیست مشتی
بزنم.

با خواهر بزرگتر
جوونترت آشنا شو!



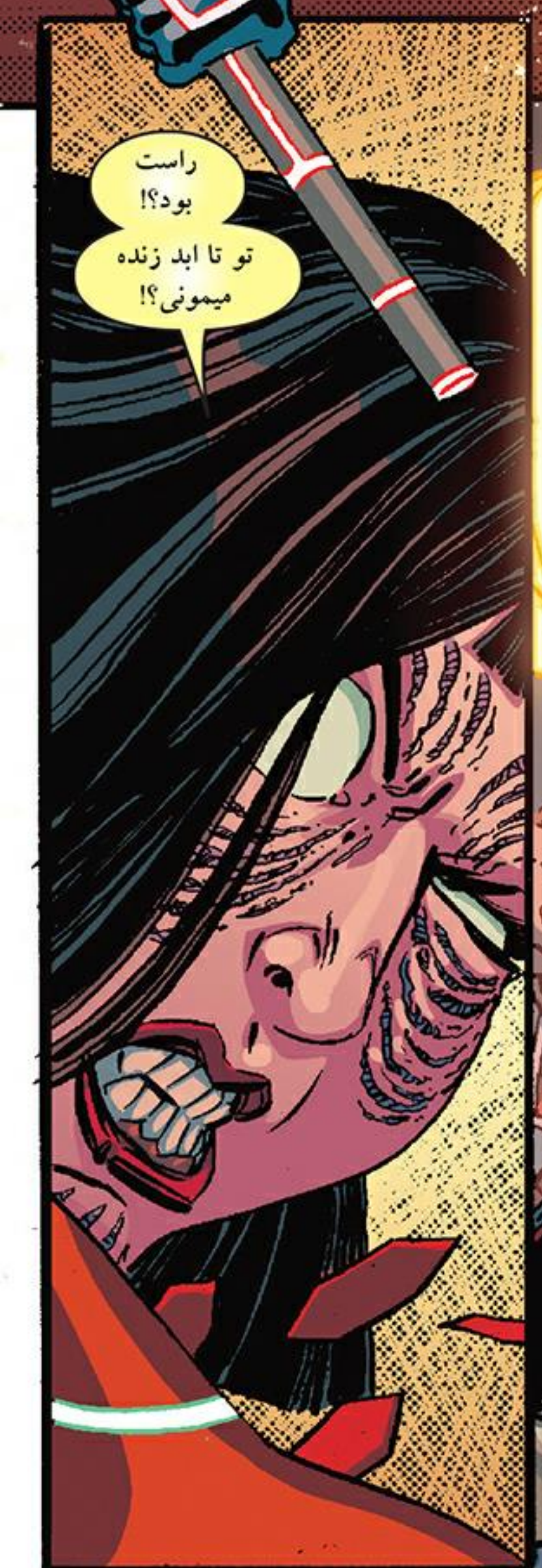
هااااااا!



دلت برام
تنگ شده
بود؟

KERAKK

٢٢٢٢



راست
بود؟!
تو تا ابد زنده
میمونی?!
!



یعنی هیچوقت
از شرت راحت
نمیشم؟



خفه
شو!

نه،
نمیشی!
برنامه داشتم که
بگم اون مواظب تو باشه...

WAK



ولی حالا
که دوباره به نوجوانش
کردی، باید خودت این جمعه
بری مواظبش باشی.



شوخی های
پدرانت هیچوقت
بامزه نبودن پیر
مرد!
اصلا شیکلاه
چی تو وجود تو
دیده؟؟

خب، اون موقع ها
منو "مزدور وراج" صدا میزدن
و به طور خلاصه بگم که
بلد بودم چطورری از دهنم
استفاده کنم.

٢٢٢٢

WAKK



پیر مرد حال
به هم زنی هستی!

WAKK

سر این یکی
همه میتونیم موافقت کنیم!
میبینی واردا؟ داریم نقطه اشتراک
پیدا میکنیم و با هم آشنا
میشیم.

آی آی
آی!!

بسر کن
دیگه!

یه نگاه به دور و برت
بنداز واردا. این شهر پر
از ساکن بود.

همشون مردن
الان. یه جوری نابود
شدن که هیچ اجباری
بهمش نبود.

واسه خانواده ای
سخنرانی کن که
میخواستیشون!

گوش کن
احمق جان، من هیچوقت
هیچکدومتون و
نمیخواستم.

همتون همینطوری
یهو پیش اومدین.

زندگی همینه
دیگه، مگه نه؟

همیشه حق
انتخاب نداری.



پس
چرا مامانم باهات
جنگید؟



هیچ جواب
درستی نداره!

قبل اینکه تو
به دنیا بیای سعی کرد که
نیو یورک رو تسخیر کنه و ما هم
جنگیدیم. بعد اینکه صلح کردیم، سر
دلایلی که من نمیفهمم صلح رو به
هم زد. وجود تو هم از من
مخفی نگه داشت.

سالها می
به روز مجنگیدیم به روز
صلح میکردیم، ولی همیشه
تو مسیر جنگ بودیم.

از اونجورز کمک
خواستم، از گاردین ها، از
پنجاه و چهار شگفت انگیز. لحظه ای
که شیگلاهی تصمیم گرفت که دنیا رو
به تسلط بگیره ... دیگه همه
چیز برای اون تموم
بود.

توی زمین، یا
با بقیه وجود داری و
همکاری میکنی، یا کلا
از وجود داشتن استغناء میدی.
فقط کافیست از اسکرولز
پیرسی.



اسکرولز
کی ان دیگه؟



دقیقا نکته
همینجاست!

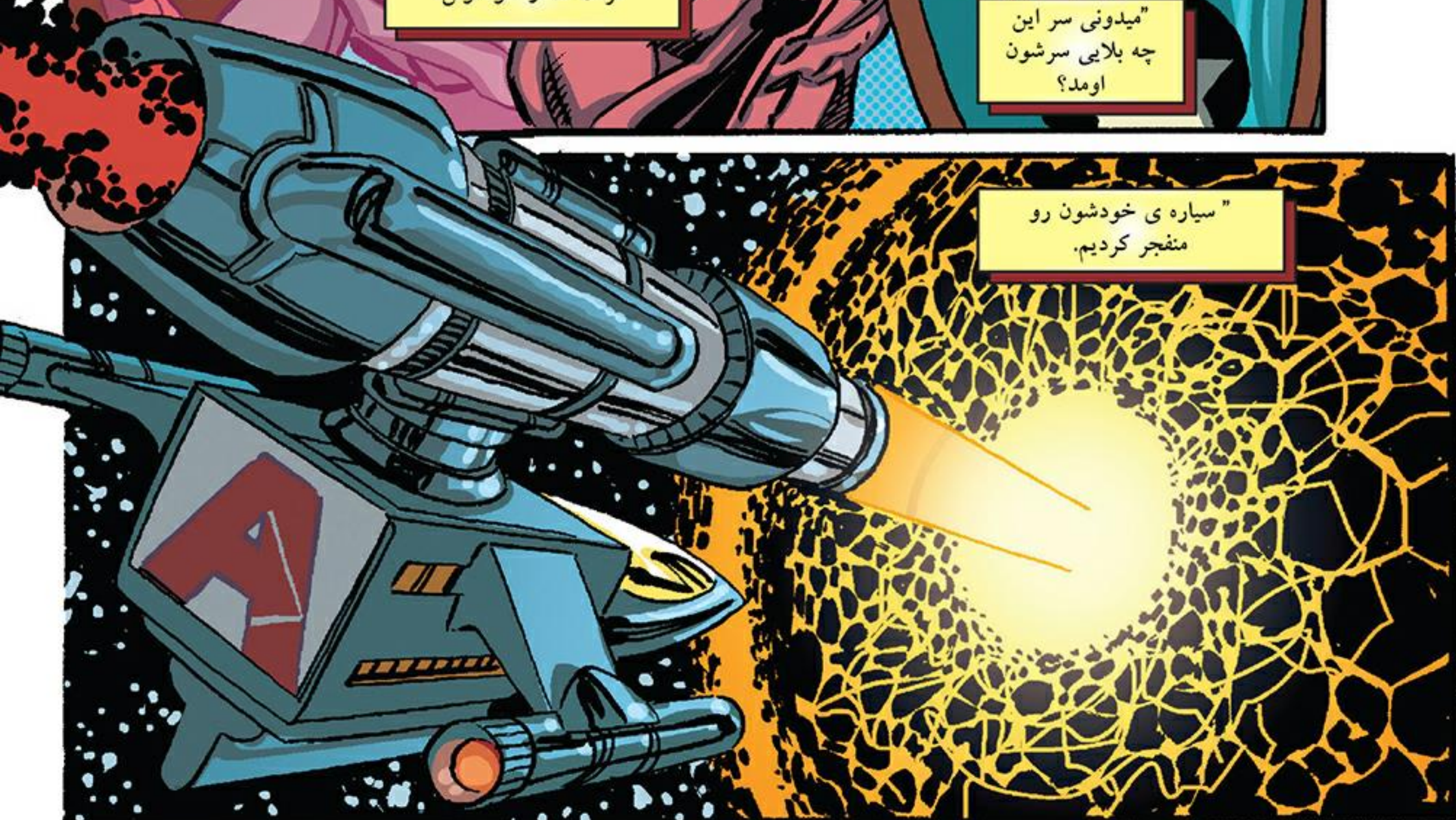
"اسکرولز
کی ان؟"



"خیلی کمتر از
مادرت گند کاری کردن
اونا ...

"وقتی که اومدن تظاهر
کردن که از خودمونن.

"میدونی سر این
چه بلایی سرشون
اومد؟



"سیاره ی خودشون رو
منفجر کردیم.



"البته نقشه ی
اونجراها هم
بود.

کارشونو
ساختیم!



"ما به کار کردیم اسکرولا
وسط فضا سرگردون شدن. دقیقا
همینطوری شد. میتونی بری تحقیق کنی
اگه حرف منو قبول نداری."

مادرت واسه
این قوانین ارزشی قائل
نبود.

من اون و
تورو از بزرگترین
خشم زمین نجات
دادم.

فکر کنم خیلی
هم خوشحال شد وقتی
که دوباره رفت.





البته که نه.
تو دختر منی. درسته
یه روانی خیلی خاص هستی،
ولی خب اینم واسه اینه
که دختر منی!

واسه تو
برنامه های دیگه ای
داریم.



حالا فرض کنیم
من حرفتو باور کردم
و دیگه بخاطره شیکلاه
نچنگیدم ...

سر من چه
بلایی میاد؟ منم خاک
میکنی و به کل فراموشم
میکنی؟



...البته.

آماده ای!

اینم اضافه
کن به لیست بدهیات
یه من.



نمیدونم
دلم بیشتر واسه
کی میسوزه.

جفتشون قراره
تا دلت بخواد غر بزنین، ولی
جفتشونم حسابی باهاش
حال میکنن.

این دیگه چی....



مغزت مثل یه تاج
محل میمونه واسه مشکلات
خانوداگی.
حداقل مغز
بابات یا همه اون
نقاشی های مستحجن روی
دیوارش، یه کم
استایل داره.

اینجا
چه خبره؟؟



یه مدت قراره تو
کله ات مهمون باشم. قراره
هم اتا قی باشیم.

یه جورایی فرض
کن داریم بهت وزدان تزریق
میکنیم. قراره اینجا رو تمیز کنیم
و راجع به کلی موضوع بحث
کنیم. با اجتماعی هم
شروع میکنیم.



از کله ی من
گمشو بیرون!

تو ... چی فکر
کردی؟ فکر کردی
میتونی رفتار منو
عوض کنی؟



بهره که دعا
کنی که بشه، وگرنه
عاقبت تو هم مثل
مامانت میشه.

دیگه اینکه بعدش
چی میشه کاملاً به خودت
بستگی داره.



واسه باباتم همین
کارو کرده بودم.

پس واسه چی
تو هم ازش متنفر
نیستی؟

ولی باید دست
از اینجور تنفرا برداری.
وگرنه نابودت
میکنه.
دل منو بیشتر از
هر کس دیگه ای
شیکوند.
بعد از قضیه
اونچرز خیلی
دمق بود.
باور کن
بودم.







آره، اول
ماه جوئن امسال
خیلی بیصدا اومد
اصلا.

باورم نمیشه
به این زودی دوباره
وقت دکوراسیون
کریسمس
رسیده.



خداروشکر که عمو
گوئنوم شروع کرد به کشتن هرکی
که قبل از اول جوئن دکوراسیون
کریسمس و درست میکرد.



باورم نمیشه که
دوباره جوونم. این صورت
و خیلی وقت بود که
ندیده بودم.



ازت میخوام
که مواظب باشی. فقط
چون جوونی و نیمیری
معنیش این نیست که تو
دردسر هم نمیشی.



دنایای خطرناکیه
که با آمبولانس هوایی
پر شده ...
آمبولانس
هوایی ...



وای گندش
بزنن! کاملاً دنی و
یادم رفت!!

حالش
خوبه.



باورت نمیشه
که چی شد.

درسته خوردت
ولی به راه خروج
پیدا کردی؟



یکی دوروز
دیگه میبینمت.

سه روزش کن
دوست من.



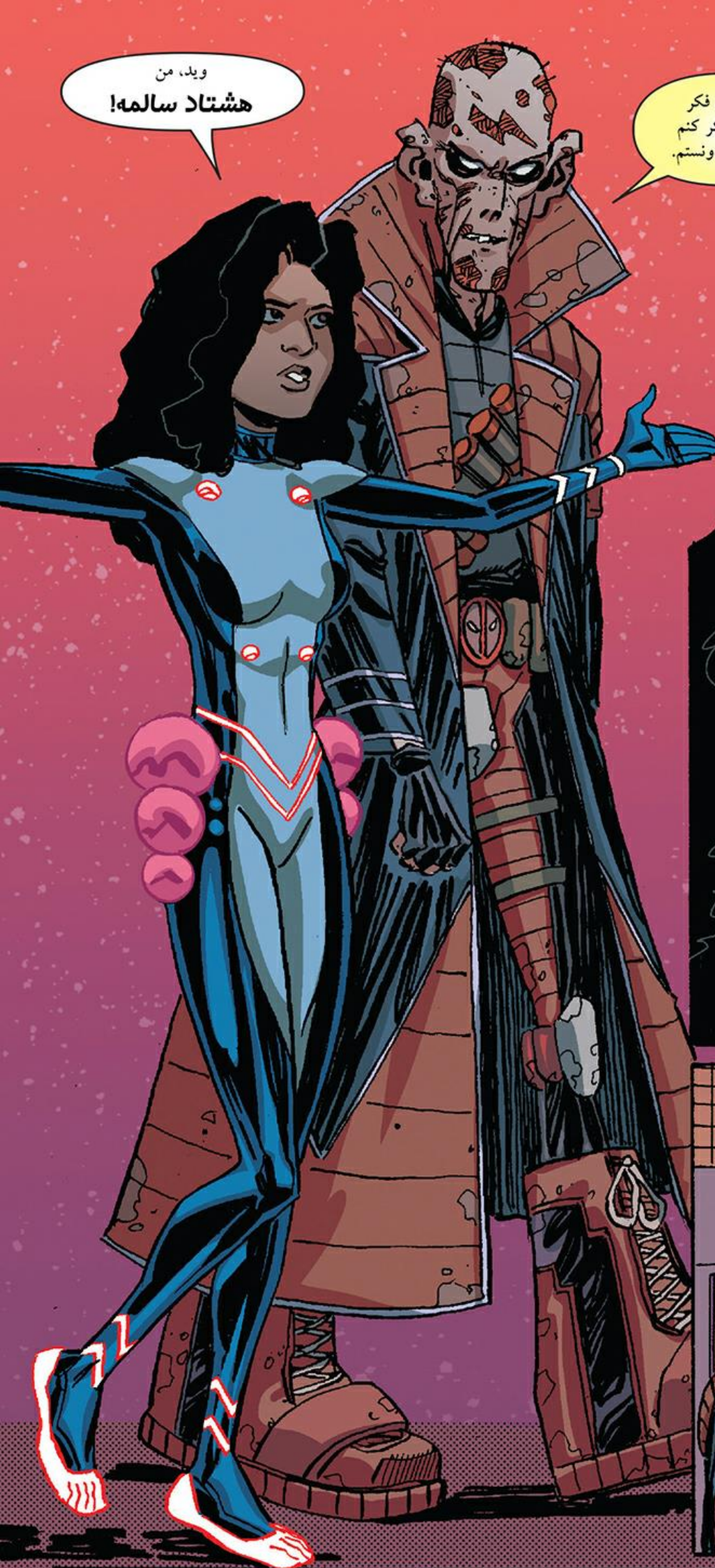
صداشو میشنوی؟
صدای لوک کیچه که
تو قبرش داره میچرخه.



حالتون
خوب میشه
قربان.

من انتظار دارم
که تو خفترین پایگاه درمانی
آمریکا باشم! ازت ممنونم
مالیا اوپاما!

خب، تورو قراره
چیکار کنیم؟ دوباره حسابی
جوون شدی.



وید، من
هشتاد سالمه!

میدونی، فکر
کنم ... فکر کنم
همیشه میدونستم.

و میدونی
که منم همه چوره
دوست دارم.

احمق.

خودت چی؟
حالا که یه آدم
آزادی میخوای چی
کار کنی؟

میخوام رو زمین
قدم بزنم. دشمنای قدیمیمو
پیدا کنم و بفرستمشون
جهنم.



ولی اول ...
بریم غذا!

یه سری کارای
ناتموم دارم، ولی عجله ای
نیست. تنها چیزی که الان
ازش مطمئنم اینه که میخوام
استیک گوسفندی رستوران
کین رو ...

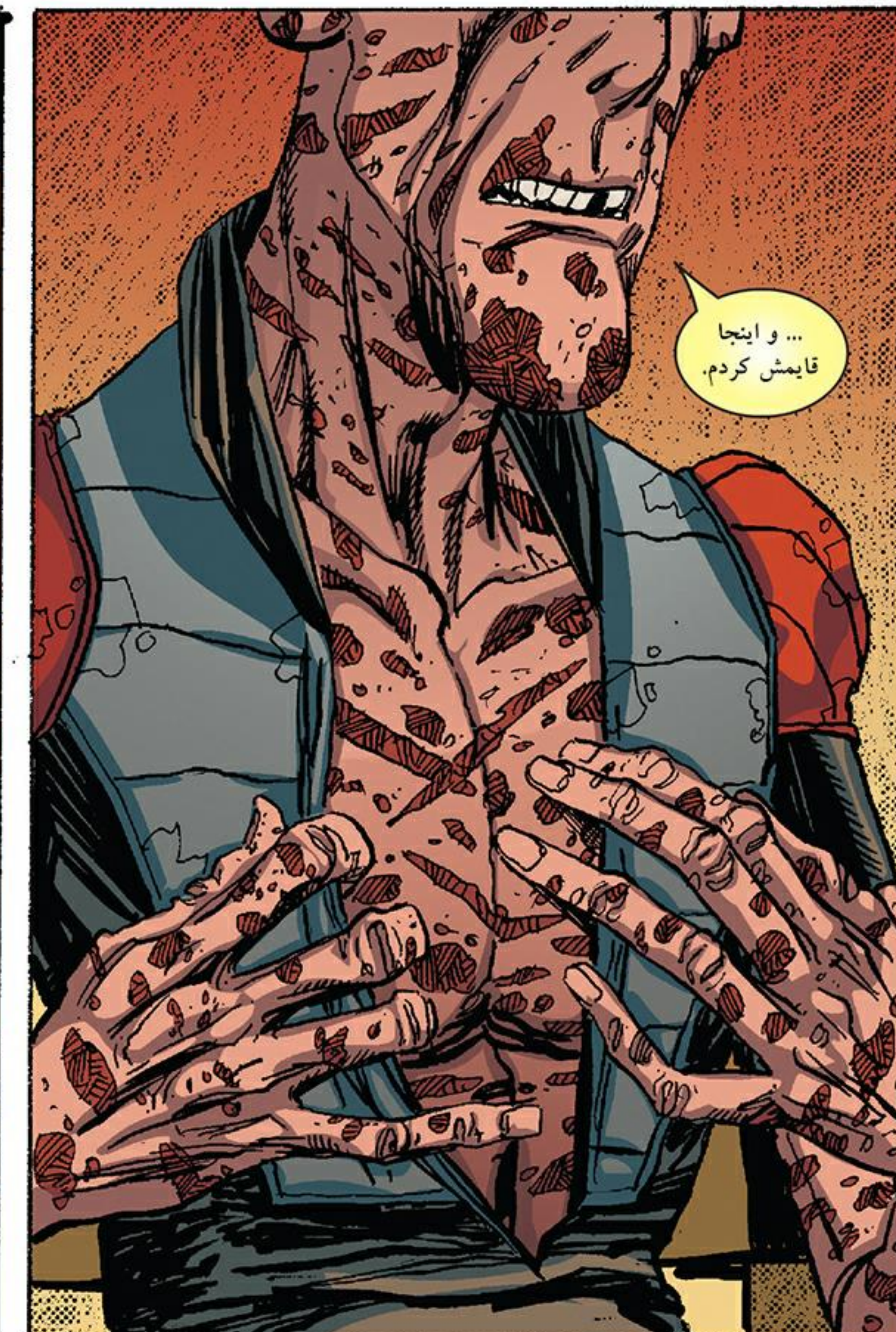


... با دخترم
بخورم!

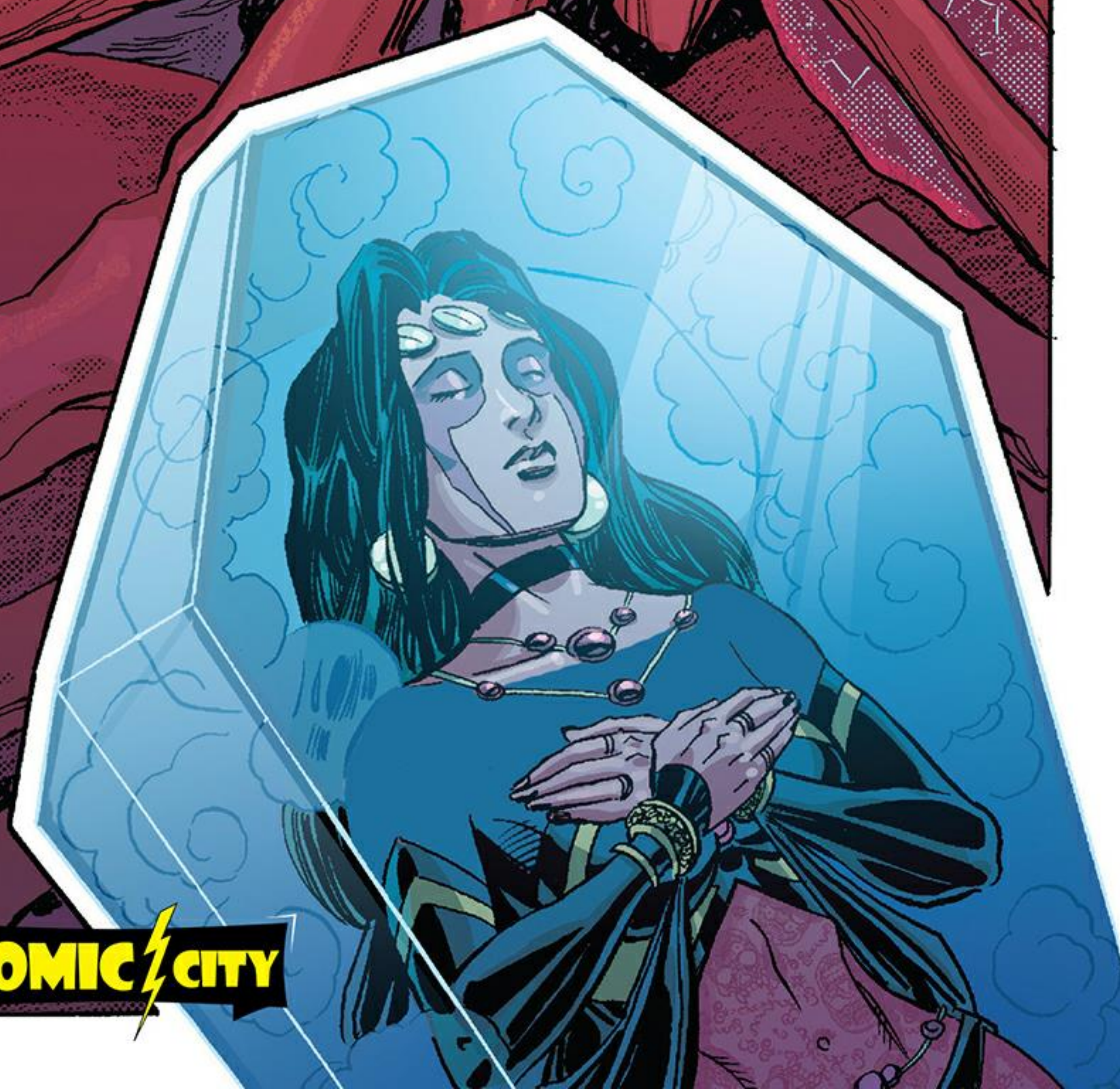
کلی سوال ازت
دارم.



هر جوابی که
یادم بیاد بهت میدم.



شیکلاه برای
همیشه به گلوله میمونه
که نتونستم ازش
فرار کنم.



پایان ... البته فعلا!!

COMIC CITY

قسمت بعدی:

COMIC CITY



ترجمه شده در:

کمیک سیتی

مراجع دانشود کمیک ترجمه شده



وبسایت ما: www.comic-city.ir



@ComicCityIR



@ComicCityIR

COMIC CITY